نامه‌نگاری ابودرداء با سلمان فارسی

«ابودرداء» از صحابه پیغمبر (ص) بود. رسول‌خدا (ص) بین او و سلمان فارسی عقد اخوت و برادری قرار داد. در زمان خلیفه دوم و بقولی در عهد عثمان بقضاوت در «اورشلیم» (بیت‌المقدس) منصوب شده بود در زمان قضاوت نامه‌ای بسلمان نوشت و او را به بیت‌المقدس دعوت نمود. اینک متن نامه و پاسخ آن:

* * * * *

برادرم! خدا را که خداوند بیت‌المقدس منزل دارم. سرزمینی است پر برکت و دارای آب و هوائی نیکو. از همه بالاتر سرزمین مقدس است. سرزمین پیامبران، سرزمینی که روزگاری انبیای بزرگ همچون حضرات ابراهیم و یعقوب و موسی و سلیمان و یعقوب و موسی علیهم السلام در خود جای داده و هم اینک نیز بدن گرامی این مرد خدا را در بر گرفته است. چه می‌شد اگر شما و همه مردم بیقرار مودید و چند صباحی را در اینجا می‌بودید و عاشی که در مدینه نبیه در جوار رسول گرامی پرورد گار بودیم بسر می‌بردیم.

(برادر تو: ابودرداء)

برادر دینی! نامه تو رسید در آن عصر که زمین مقدس دعوت کرده بودی، نمیدانم هیچ میدانی که زمین کسی را شایسته تقدیس نمی‌کند؟ هیچ میدانی که افتخار انسان نمیتواند مسکن و مأوای او باشد؟ هیچ میدانی که تنها عمل انسان است که او را بزرگ و مورد سر او را تقدیس می‌کند؟

آری قدس انسان وابسته بعمل اوست نه بسرزمینی که در آن منزل دارد: مکی اورشلیم باشد مدینه منزل گزیدن و باشد بیت‌المقدس مأوا داشتن نمیتواند فضیلتی برای انسان باشد.

برادرم! شنیده‌ام که پیغمبر ای همانند شبانت بعد از او گذاشته شده (قاضی شده اند) اگر شبیه میهادی و مربیان انسانها می‌بینی خوشا بسعادت. ولی اگر طلب تو بیش داین منصب را بیجا اشتغال کرده ای بترس از اینکه جان انسانی را بجای انسانی و خود را مستحق آتش گردانی. منصب قضاوت منصبی است بزرگ. هر کس شایسته نیست این پست را اشتغال کند، اگر تو در خود لیاقت می‌بینی و از عهده قضاوت بحق برمیآئی خوشا بحالت، ولی هرگاه این پست را بناحق اشتغال کرده ای وای بر تو! از این می‌ترسم که خود را وارد آتش سازی! همان که بیدار باش!

برادرت سلمان*

---

* فیض الجاهر ج ۲، ص ۲۱۴ احمد امین